

بررسی تاریخی مسجد و مدرسه شاهی (جامع) زنجان

معصومه زینعلی

مسجد و مدرسه شاهی معروف به مسجد سند (جامع) یکی از بناهای باارزش و تاریخی شهر زنجان می‌باشد. این مسجد توسط عبدالله میرزا فرزند یازدهم فتحعلی شاه قاجار به سال ۱۲۴۲ ق در دوران پایانی حکومت او در زنجان ساخته شده است.

محدوده جغرافیایی

این مسجد از سمت غرب به بازار قیصریه و از سمت شرق با کوچه معروف به کوچه سید و از شمال به خیابان امام و میدان قدیمی سبزه میدان محدوده می‌شود (قبل از احداث خیابان امام سردر این مسجد به فضای بازی که در مقابل دارالحکومه شهر و به عنوان میدان اصلی شهر مطرح بوده، قرار داشته است) از سمت جنوب هم به مجموعه تاریخی بازار زنجان محدود می‌شود. این مسجد ۲۴ اطاق دارد که از این تعداد ۱۰ اطاق سالم و بدون نیاز به تعمیرات است و در آن تعداد ۱۵ طلبه مشغول تحصیل می‌باشند.

ساختمان مسجد براساس پلان مساجد چهار ایوانی ساخته شده و بر طبق معمول ایوان ورودی مقابل شاه‌نشین گنبددار قرار داده شده است. این مسجد گنبدی عالی و بزرگ از نوع گنبد های دو جداره دارد که پلان مدور گنبد بدون گوشواره و عرقچین به روی پلان چهار ضلعی نشسته و ۲۰/۵ متر ارتفاع دارد و ۱۱/۸۰ متر قطر دهانه آن است و به کاشی فیروزه‌ای مزین می‌باشد. صحن مرکزی شامل حجرات طلاب علوم دینی با قریبه سازی زیبایی ساخته شده است. در طرفین شاه‌نشین گنبددار ششستان های زنانه و مردانه به طور قریبه قرار دارد. در صحن شرقی و غربی صحن مرکزی به طرز قریبه ۱۶ حجره و در قسمت شمالی ۱۶ حجره و هر حجره از دو قسمت ایوان و حجره تشکیل شده و ۲/۱۰ متر فضای قابل استفاده دارد. این مجموعه از کاشی کاری، دوزان قاجار مزین شده است. در ایوان جنوبی کتیبه مطولی وجود دارد با خط ثلث خطی که متن آن خطبه‌ای است که با نام فتحعلی شاه شروع و به نام عبدالله میرزا خاتمه یافته است.

این مجموعه حوضخانه و وضو خانه دارد. چون در دوره قاجار با مصالح کم دوام خشت و گل ساخته شده، در سال های اخیر قسمت اعظم کاشی های آن ریخته و هم اکنون این قسمت ها در حال تعمیر است.

بررسی تاریخی مسجد و مدرسه

آقای ابوالفضل شکوری در خصوص این مسجد و مدرسه می‌نویسد:

«... نخستین مسجد و مدرسه بزرگ در زنجان توسط پسر فتحعلی‌شاه به نام عبدالله میرزا (دارا) احداث شد که در آن زمان حاکم زنجان و خمره بود. این مدرسه و مسجد که در بازار قیصریه و سیزه میدان کنونی قرار دارد در آن زمان مسجد و مدرسه شاهی یا سلطانی خوانده می‌شد و در تاریخ به نام مسجد دارا ثبت شده است. بعدها به دلیل اینکه اداره آن به دست یکی از علمای معروف زنجان به نام سیدمحمد طارمی سردانی افتاده، به مسجد و مدرسه سید شهرت یافته است. این مدرسه حجرات زیادی برای سکونت طلاب دارد. مسجد و مدرسه دارا به دلیل از دست دادن سلسله نظار از نسل عبدالله میرزا بارها مورد نزاع بوده است. بارها تحت مدیریت افراد مختلف بوده، از جمله مرحوم ملاقربانعلی زنجانی که تولیت شرعی را بر عهده گرفته‌اند و همچنین مدتی تحت اداره حاکم قاجاری افتاده و او با مباشرت فردی به نام آقا میربهاءالدین آنجا را اداره می‌کرده است. زمانی نیز مرحوم آقا ضیاءالدین نایب صدر خواسته تولیت را در دست گیرد ولی مرحوم ملاقربانعلی زنجانی با تأیید صحت تصدی اعقاب سیدمحمد طارمی از اقدام او جلوگیری نموده است.»^۲

معرفی عبدالله میرزا مؤسس مسجد و مدرسه شاهی

شاهزاده عبدالله میرزا پسر یازدهم فتحعلی‌شاه قاجار است. در خصوص تاریخ ولادت او در نسخ التواریخ آمده است:

«... پسر یازدهم فتحعلی‌شاه، شاهزاده عبدالله میرزا است که دارا تخلص فرمودی، جمله بیست و چهارم جمادی الاولی سال یک هزار و دو بیست و یازده هجری متولد شد...»^۳

مادر عبدالله میرزا از سادات بوده که ام کلثوم نام داشته است. شاهزاده عبدالله میرزا پس از رسیدن به سن رشد و پایان تحصیلات مقدماتی و کسب کمالات شایسته شاهزادگان در سال ۱۲۲۴ق به حکومت زنجان منسوب شده در این خصوص در نسخ التواریخ آمده است:

«... در سنه یک هزار و دو بیست و چهار هجری روز سه‌شنبه چهارم صفر، سه دقیقه پیش از آنکه روز برآید، آفتاب از حوت به حمل جاری کرد. پس از انجام جشن نوروز شهریار تا جدار فتحعلی شاه، شاهزاده عبدالله میرزا را به حکمرانی مملکت خمره گماشت و میرزا تقی علی‌آبادی را که از منشیان خاص اختصاص داشت و در نظم و نثر قوی دست بود به وزارت برکشید...»^۴

و در جای دیگر آورده است:

«... در سال ۱۲۲۴ق که عبدالله میرزا متخلص به دارا پسر یازدهم فتحعلی‌شاه قاجار به سن ۱۳ سالگی

به حکومت زنجان منسوب شد...»^۵

شاهزاده عبدالله میرزا به مدت ۲۲ سال در خمره حکومت کرده است. عبدالله میرزا علوم متداول عصر خویش را نزد وزیر خویش میرزا محمدتقی آبادی که از فضلا و ادبای عصر خویش بوده و علم نجوم را نزد برادرش شاهزاده محمد ولی میرزا تحصیل کرده است. او ذوق شعر داشته و در حدود ۵۰ هزار بیت شعر به صورت‌های قصیده، مثنوی، غزل و رباعی سروده است. با عباس میرزا ولیعهد بسیار مساعدت و همدلی داشته تا جایی که در جنگ ایران و روس به سال ۱۲۴۲ق با سپاهی از خمره به سوی آذربایجان حرکت کرده تا برای کمک به عباس میرزا در جنگ با روسیه شرکت داشته باشد.

عبدالله میرزا نزد پدرش مقام ویژه‌ای داشته است. در این خصوص در تاریخ عضدی آمده است: «...»



شاهزاده عبدالله میرزا سید ادبای عصر خود در صحبت و مناسب گفتن و مناسب خواندن در نظم و نثر یگانه بود و با فتحعلی شاه بدون ملاحظه پدری و فرزندی صحبت می‌کرد و هر وقت دلتنگی برای شاه حاصل می‌شد، می‌فرمود دارا بیاید و رفع خیالات بکند...»^۶

شاهزاده در سال ۱۲۴۶ق از حکومت زنجان کناره‌گیری کرده و به جای او شاهزاده فتح‌الله میرزا (شعاع‌السلطنه) پسر سی و پنجم فتحعلی شاه به حکومت خمسه رسیده است. او پس از کناره‌گیری از حکومت زنجان، دیگر مصدر فعالیت حکومتی و دولتی نبوده است.

در زمینه تاریخ فوت او موارد متعدد عنوان شده در تاریخ عضدی فوت او را سنه ۱۲۶۲ق دانسته‌اند. مقرر حکومت عبدالله میرزا در پشت ساختمان شهرداری و اداره قند و شکر و اداره دارایی بوده که به عنوان دارالحکومه قاجار بوده و دارای اندرونی و بیرونی و فراشخانه و... بوده، سبزه‌میدان کنونی هم به عنوان میدان عالی‌قاپو در روبه‌روی دارالحکومه قرار داشته...»^۸

موقوفات مسجد و مدرسه شاهی

عبدالله میرزا پس از ساخت مسجد و مدرسه مقادیر زیادی موقوفه را ضمیمه این مسجد و مدرسه می‌کند تا پشتوانه اداره مسجد شود. این موقوفات که در سندی گردآوری شده به این قرار است: (در حال حاضر اصل سند موجود است.)

۱. روستای لگاحی شش‌دانگ؛
۲. روستای شیلاخور شش‌دانگ؛
۳. دکاکین بازار قیصریه ۶۳ باب دکان و ۴ باب خواجه‌نشین؛
۴. حمام واقع در پشت مسجد و سمت شرق بازار قیصریه معروف به حمام شاهی؛
۵. طاحونه والارود؛
۶. روستای گلجیک (مقدار مشخص نیست)؛
۷. طاحونه گلجیک شش‌دانگ.

موارد مصرف موقوفات

۱. برای مدرس و مؤذن و خادم از قرار مدرس ۱۰۰ تومان نقد، ۱۱ خروار جنس و مؤذن ۳۰ تومان نقد و ۳ خروار جنس، خادم ۴۰ تومان نقد ۳ خروار جنس؛
 ۲. برای حجره‌هایی که طلبه دارند ۸۰ تومان نقد، ۴۰ خروار جنس (که ۲۰ باب حجره هر باب دو نفر طلبه برای هر یک ۲ تومان نقد و یک خروار جنس می‌شود).
 ۳. فراش ۴۰ تومان نقد ۱۰ خروار جنس؛
 ۴. متولی ۱۰۰ تومان نقد ۱۰ خروار جنس؛
 ۵. ناظر به اندازه متولی؛
 ۶. تعمیرات مسجد و مدرسه ۲۹۰ تومان نقد و ۳۰ خروار جنس.
- لازم به ذکر است این موقوفات مربوط به ۱۸۳ سال قبل می‌باشد و مقادیر یادشده به طور سالیانه داده می‌شود (تاریخ سند این موقوفات به تاریخ تأسیس مسجد و مدرسه بر می‌گردد).

چگونگی نظارت و تولیت بر مسجد و مدرسه

امر نظارت مسجد و مدرسه و اعیان موقوفات در زمان حیات مؤسس با خود او و پس از او به فرزند ارشد ذکور و اولادان ذکور نسل‌های بعد او می‌باشد. (بعدها به دلیل از میان رفتن سلسله‌النسب مشکلاتی در امر نظارت و مدیریت مسجد و مدرسه پیش آمد).

امر تولیت در زمان واقف و مؤسس مسجد بر عهده آیت‌الله سیدمحمد طارمی سردانی بوده و سپس به اولادان ذکور پس از او رسیده است.

آیت‌الله سیدمحمد حسینی سردانی از سیردان طارم سفلی به زنجان آورده شده و امامت جماعت و تولیت مسجد و مدرسه به ایشان محول گردید. پس از ایشان امر تولیت به فرزند ارشد ایشان آیت‌الله میرزا عبدالواسع حسینی به مدت ۲۲ سال می‌رسد.

سپس به فرزند ارشد ایشان آیت‌الله میرزا ابوالفضایل زسیده و پس از فوت مشارالیه فرزند ایشان آیت‌الله سیدمحمد حسینی عهده‌دار تولیت مسجد و مدرسه می‌گردد پس از ایشان نیز هم‌اکنون آیت‌الله سیدعزالدین حسینی رسیدگی امر تولیت و رسیدگی موقوفات مسجد را دارند که چون ایشان در مشهد اقامت دارند فرزند ارشد ایشان به وکالت از سوی پدر عهده‌دار اداره مسجد و مدرسه می‌باشد.^۱

وضعیت کنونی موقوفات مسجد و مدرسه شاهی

پس از گذشت سالیان طولانی تغییراتی در موقوفات این مسجد و مدرسه داده شده از جمله در زمان تولیت آیت‌الله میرزا عبدالواسع حسینی دکاکین بازار قیصریه ۷۱ باب بوده و ایشان در قسمت شمالی بازار قیصریه تعدادی دکان خریداری و به موقوفات افزوده گشته، در زمان تولیت آیت‌الله سیدعزالدین حسینی حمام شاهی که در حال تخریب بوده با کسب اجازه شرعی تخریب و تعداد ۷۶ باب مغازه بر روی این حمام که به صورت پاساژ درآمده ساخته شده است. سه مغازه نیز در پشت مسجد و شش مغازه به اضافه دو واحد فوقانی و یک زیرزمین در کوچه سید پشت مسجد خریداری و ضمیمه موقوفات شده است.

طبق اظهارات حاج آقا سیدمحمد حسینی وکیل متولی، در گذشته هزینه اصلی مسجد و مدرسه از محل موقوفات روستاها تأمین می‌شده ولی امروزه روستاها درآمد چندانی برای مسجد ندارند و اگر پیگیری متولی نباشد درآمد اندک از محل روستاها نیز پرداخت نخواهد شد. بسیاری از دکاکین قیصریه به مرور زمان تصرف شده بدون اینکه حق سرقفلی پرداخت شود. با توجه به هزینه زیادی که در تعمیر و نگهداری این مجموعه تاریخی نیاز است درآمد موقوفات اندک بوده و نیاز به کمک و یاری اهالی و مسؤولان محترم دارد. لازم به ذکر است پاساژ ساخته شده بر روی حمام شاهی هنوز ارزش تجاری چندانی پیدا نکرده و قسمت اعظم دکاکین آن خالی یا به صورت انبار درآمده که درآمدی را به همراه ندارد. و بالاخره این مجموعه تاریخی مذهبی در قلب بافت قدیمی شهر در جوار بازار، نقش بسیار مهمی در رفع احتیاجات مردم داشته و به دلیل وقف بودن، تعداد زیادی از دکاکین بازار، این دو با یکدیگر ارتباط منسجم و تنگاتنگ دارند.

متن وقف‌نامه مسجد و مدرسه جامع (شاهی، سید)

بسم‌الله الرحمن الرحیم

سپاس فزون از مقایسه و هم قیاس، و شکر برون از میکائیل السنه ملایک و / ناس وقف درگاه حضرت واقف السرائر است که مملکت املاک از ممالک قدرتش / مزرعی است و اعیان بحر از ینایع حکمتش مشبعی است، عقل کل در مدارس / صفاتش طفلی است ابجدخوان و روح اعظم از رسائل ذاتش هیچ‌مدان، بی‌زبانی / است و زبان آور و بی‌جان است و جان پرور، دانای غیب و ظهور است، لغات آموز / وحش و طیور، مشهور خفی و پنهان و پیدا، معلوم و عالم و مقطع مبدا محدث بر / قدمتش دلیل، موجود بر وجودش سیبل، احدی است نه به تاویل عدد و تعبیر شمار و / ابدی است نه به اعتبار اول اول حال و آخر کار، در بدایتش نهایی و در ازلیتش بدایتی / نیست، مالک بی‌شریک و ملک بی‌وزیر است، خالق بی‌شبهه و فالق بی‌نظیر است، / روزی پاش و رازپوش، جنگ‌بین و صلح‌کوش، در برابر گناهی آفریننده آهی و در / مهالک



نماینده راهی است. هر که بر او نگذشت از او بگذشت و آنکه از او بگذشت از او نگذشت. بهشت را به مطیعان به بهانه داده و به مسرفان به بها نداده، گاهی ماه انسانی / دوزخ می‌نشانند و گاهی به گناه انسانی دوزخ می‌نشانند، قهرش اصحاب عاد را به باد و / اصحاب فیل را به ابابیل عبرت عالمین کرد، مهرش یوسف زندان را به سلطانی و مسیح زمینی را به آسمان عبرت عالمین کرده، /

کیست بنده هر آنچه بگشاید

هر چه او بست کیست بگشاید /

لااله الا الله، رحمت در مقابل اشکی و رحمت در مقابل رشگی، آدم خاکی / با تواضع مسجود و ابلیس افلاکی با تکبر مطرود، خلیل از اطاعتش طعمه نار / نمرود و در عصیانش طعمه نار نمود. آب ابراهیم در آتش و آتش فرعون / در آب، رحمت اصحاب کهف در خواب و غضب قوم لوط هم در خواب. /

ساخته از خاک بی خاکیان

چار حد، باغچه کیف کان /

گشته ام این باغ پر از رنگ و بو

یک گل رعناست شب و روز او /

فَسُبْحَانَ الَّذِي بَدَأَ مَلَكُوتَ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ وَ لَهُ الْمَثَلُ الْأَعْلَى فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ.

و درود نامعدود و تحیات نامجدود بر روان پاک آن مخاطب لولاکی لما وی از خلقت الافلاک، مسرع و یا ز قاب قوسین او ادنی، چابک سوار سبحان الذی / استری، علت غایی ایجاد عالم، باعث آفرینش ملک آدم، تاج افزای عمرک انهم / لفی سکرتهم یعمهون، ارنیکه طراز ما انت بنعمه ربک بمجنون، خلاصه مکنونات و هر چه که هست و مفتاح معضلات و هر که بست، گل سرسبد / گلستان ایجاد و نتیجه صغری و کبری مبدأ و معاد، رسول مدنی، نبی امی، / کثیاف برهان اتی و لمی، امام رسل و پیشوای سبیل، منهل امین خدا، مهبط / جبرئیل خاتم النبیین و رحمة للعالمین حضرت ابی القاسم محمد المصطفی / صلوات الله و سلامه علیه و علی اولاده الطیبین الطاهرین اجمعین، سیما امیر البررة و قاتل الکفرة هزبر غیاب ولایت حسام غراب وصایت، محرم سر سلوئی، محرم حرم قبل ان تفقدونی، باعث نزول هل اتی، صاحب لواء قل / کفی، نفس بیغمبر (ص)، قالع خبیر، اسدالله الغالب، مظهر العجائب علی ابن / ابی طالب علیه و اولاده صلوات و التسلیم من الملك العلیم، و بعد بر رای ارباب بصیرت و اصحاب فطنت که از تاریخ جهان به سواد عبرت و امتحان احوال آیندگان از اوضاع گذشتگان معلوم و بی وفایی این دنیای غدار و عدم ثبات این / امور و اعمار را که در واقع پشت گرمی خرقة ناس در این دیر ناسیاس به استیثاس / این دو امر پیمانه و اساس است به ذکاوت و فطانت ذاتی معلوم داشته اند و / محبوب نیست که قاطبه قاطنین و عامه متوطنین این سرای پرشور شر و / منزل سازان و رحل اقامت اندازان این کهنه رباط که در سفری چون فوت و / طغانتی چون موت در پیش و آنکه شب نزول کرد صبح در سر عزیمت خویش / است. کما قال الامام علیه و اولاده السلام، به مناسبت هذا المقام الا انما الدنیا / کمزول راکب اراج عشییا و هو فی الصبح راحل، این اجزاء مجتمعه انسانی از / همدیگر متفرق و البسه محرقه حیوه انسانی چنان که دانی از حیوب رماح / حوادث متمزق خواهد شد. پس شخص عاقل به مفاد معجز مماثل و لا ترحلن / بلاعدة فان الطريق مخوف محسوف، از تهیه زاد راه و رحلت خود غافل نباید / بوده، لا محاله هر کسی را ساز برگ جهت سفر مرگ ضرور و لازم و فرستادن / تدارکی از پیش جهت روز وقوف خویش، همچنان که گفته اند: /

برگ عیشی به گور خویش فرست

کس نیارد ز پس، تو پیش فرست /

فرض و متحتم است کما آورد فی هذا المقام الامام الهمام علیه السلام هذا / الکلام «ترود من الدنیا فانک میت» و یا در «فان الموت لا شک نازل» از نقد و / جنس دیناری، دون چیزی که از کینه مرد قطاع الطريق استعمال روزگار زبون / در دست امید محتاجان رحمت حضرت قادر بی چون محروس و مصون / می نماید، مالی است که در راه بدل و وجهی است که در وجه بر و باب خیر / صرف کرده اند، الحق همین

است که جهت امید مردم به حساب روز اگر باقی و / دستگیر ساعت پر اسائت «اذا بلغت التراقي» است و اوجه بر و ابواب خیر وقف / کردن ملکی است که تا خاک است تخم ثواب در آن رسته و واقف آن به جریان / جویبار فوایدش سوی شهرستان آخرت از حرارت نار سعیر رسته است. خوشا / حال عامل این عمل و آمل این امل که بعد از خود هم چنین باقیات صالحاتی / گذارد و منفعت آن را در «یوم لاینفع مال و لاینون» بردارد. علی رعایه هذه / المعانی المعالی در زمان دولت شاهنشیه جم احتشام داور دین پرور و دارای / اسکندر حشمت خسرو گیتی ستان شاهنشیه عادلانی که همت عالمان دین / به عهد او عزیز و محترم، بس که قدر علم و فضل اندر زمان بلند مقتدی شد یا / مدرسسی هر گه زد از علم دم به درس (ناخوانا) در ره دین بس که در قمع / اعادی زد قدم، یعنی بندگان اعلیحضرت قدر قدرت، عدالت گزین، خسرو فریدون شوکت نضت آیین شاهنشاه (ناخوانا) تا افتات آفتاش از افق دولت / طلوع کرد خفاش طبیعتان بدخواه و شهنشاها گمراه رویه وادی بواری و تباب / گذاشت.

قهرمانی که از هیبت سطوت حیرتس روزگار کجرو را از ذات فلک مسلوب / داشته، از احتسابش شیر در پیشه همیشه زاجی اغنام و دیده غضنفر از عدالتش / سرب رنگ را کتاف. السلطان الاعظم و الخاقان الاقخم: السلطان بن السلطان / بن السلطان و الخاقان بن الخاقان بن الخاقان، المجاهد فی دین الله و القاضي فی سبیل الله، المؤید من عند الله ابالفتح و النصر و المظفر فتحعلیشاه قاجار / لازال السنة العلماء و الخطباء بدعاء دوام دولته علی رؤوس منابر مفتوحه و / مدارس اقصی بلاد اسلام به درس علو جلاله مشحونه، حضرت سیهیر / منزلت فلک رفعت شبلی آجام شوکت و دولت و حسام بناه، جاه و جلالت مهر / فروزان برج سلطنت، ابد مدار گوهر درخشان درج خلافت، پایدار نور حدیقه / شهر یاری، باسط امن و امان مؤثر خیر و احسان، ملک انسان ملک زاده جهان، معدن سخا و حیاء وجود، ملخص خلاصه وجود، واضح میزان عدل و انصاف / قانع بنیان سیل و اعتساف مطیع شرف شریف مصطفوی، منقاد قول لطیف / مرتضوی، شهیر اکناف و اطراف عالم، صاحب کرم و سیف و قلم، اقامت فی / الرقاب له ایادی هی الاطراق و الناس الحمام اعنی نواب کامیاب، مالک / رقاب گردون جناب اشرف امجد ارفع و الا عبدالله میرزا لزال اعلام العدول / فی ایام دولته عالیه و قیمه العلم من آثار تربته عالیه و ایادیه علی / الطلاب و الفقراء فائضه و اعادیه من بین الخلق عایضه من قال آمین ابقی / له، محجته فان الدعاء لیشتمل الشحیر، وقف مؤبده بتی بتلی و حبس مخلد قطعی / ملی فرمودند املاک و دکاکین و حمام و طواخین مفصله ذیل را (لگاحی / ششدانگ) (گلجیک...) (شیلا خور ششدانگ) / قیصریه مشتمل بر / شصت و سه باب دکان و چهار باب خواجه نشین) (حمام واقع در سمت / قبلی و سمت شرق قیصریه ششدانگ) (طاحونه و الارود ششدانگ) / (طاحونه گلجیک ششدانگ) مع جمیع متعلقاتها و منضمانتها که / جمیع آنچه به معرض تسطیر و مقام توضیح آمده ملک مختصی و مکتسبی / سرکاری واقف موفق ابتیاعی و خریداری فرموده اند بر مسجد جمعه و / مدرسه مبارکه جدیده واقعه در دارالسعاده زنجان در جنب قیصریه / مشهور به مسجد و مدرسه شاهزاده باقیبود و شرایطی که بعد سمت تحریر / خواهد یافت و از اینکه محافظت و ایادی این قبیل شعایر مسلمانی موقوف / است به اهتمام و حسن سعی اشخاص چند کاردانی که یکی به نظارت و / دیگری به تولید و بعضی به خدمت و حراست امر مسجد و مدرسه و دخل / موقوفات را مضبوط و حسن حضانت و رعایت لوازمات آنها را همواره / مجدول و مربوط داشته باشند.

لهذا امر نظارت مسجد و مدرسه و اعیان / موقوفات را موقوف به نظر فیض اثر حضرت واقف آدم الله بقائه آمده که / مادام الحیات از نظرات انور قرین انضباط بوده و بعد مفوض و مقرر / فرمودند به اکبر ارشد اولاد خود بر اولاد اولاد ما تعاقبوا او تناسلوا الی / مرالزمان و الدهور و تولید آنها را تفویض فرمودند به عالیجناب مقدس / القاب فضایل و معارف اکتساب حقایق و دقایق نصاب عوارف و لطایف / آداب و نجابت انتساب عمده العلماء العلام و قدوة الفضلاء الفخام مفخر / المحققین آقا سید محمد مجتهد طارمی اصل سلمه الله تعالی و بعد مماته / با یک نفر عالم فقیه عادل متدین از اهل دارالسعاده که ناظر آن را معین / نماید و هکذا بعد از او دیگری، خواه از اولاد متولی سابق باشد یا غیر آن و / شرطش همین است که عالم و فقیه صاحب امانت و دیانت و در امر مسجد و مدرسه / و موقوفه ساعی و جاهد باشد. قرنا بعد قرن.

بعضهم بعد بعضاً/ مادام الدارات الدوار، و تدریس مدرسه در این عصر میمنت فرجام و/ روزگار سعادت ارتسام به تفویضات حضرت واقف دام بقائه مفوض شد/ به عالیجناب مقدس القاب، فضایل و فواضل اکتساب، عوارف و معارف/ انتساب، شرافت و نجابت نصاب، امانت و دیانت مآب، علامه العلماء آخوند/ ملاعبدا الاحد طارمی سلمه الله که از فطن مدرسین زمان و اعلم متعلمین/ دوران است و بعده به اولاد اولاد و اولادش به شرط قابلیتهم الی مر الدهور و/ الا محول است علی اولی الناس بالتدریس و التعليم من علماء زنجان کان/ ام من اهل البلدان الغریبة و البعیده که به جهت تعلیم و تدریس در شهر/ مرقوم توطن در مدرسه معلوم توقف جوید و بعده به دیگری مادامت/ الشهور و السنین دائرة. چون مدرسه مبارکه محجر است به موازی بیست/ باب حجره، قراری فرمودند که هر حجره دو نفر طلبه از طلاب صاحب/ سواد که اول مرتبه تحصیل ایشان از نحو صمدیه و جامی و از منطق/ حاشیه ملاعبده الله و از معانی به صورت مختصر، متعلقات و مرتبه بالا هر قدر که بالا/ رود احق و اولی است به شرطی که هم مدرس و هم/ مدرس در تحصیل و تدریس خمولی نداشته و به همین که اسما معلم هستند/ و معلم اکتفا نرود و بل هر دو طبقه به اسماء خود مسمی بوده باشند و/ قراری فرمودند که یک نفر مؤذن وقت شناس صاحب صوت و یک نفر خادم/ خدمت جهت حفظ و یک نفر فراش زیرک کارگاه که هر سه متدین و/ امین در امر صیانت مسجد و حجرات و پشت بام های آنها از برف و باران و/ غیره و حفظ علائم دیوار و ارکان از هر طرف که باشد کمال سعی و/ مجاهدت را داشته و در حفظ و حراست آن خمولی نداشته باشند و تعیین/ آنها را تفویض فرمودند به عهده متولی و هر کدام را حقی و حظی و نصیبی/ وظیفه و بعضی را ابتغاء لوجه الله و طلباً لمرضاته و بعضی را از راه اجرت/ نقداً و جنساً موافق تفصیل ذیل از منافع املاک و وجوه اجارات دکاکین و حمام/ و غیرها معین و منحصر فرمودند که سال به سال هنگام جمع شدن منافع/ نصیب خود را از متولی گرفته قبض الوصول بدهند و متولی هم هر سال/ بعد صرف مصارف مفصله ذیل و ایصال حقوق هر کدام قبض الوصول/ آنها را آورده با سرکار ناظر محاسبه نمایند./

۱. از بابت مدرس و مؤذن و غیره ۱۵۰ تومان نقد ۱۱ خروار جنس/ (مدرس نقد ۱۰۰ تومان مجلس خروار) (مؤذن نقد ۳۰ تومان جنس سه خروار)/ (خادم نقد ۴۰ تومان جنس ۳ خروار)/
۲. از بابت سالیانه طلاب حجرات نقد ۸۰ تومان جنس ۴۰ خروار/ بیست باب حجره دو نفره هر یک ۲ تومان ۴۰ نفر ۸۰ تومان بیست باب/ حجره دو نفره هر یک یک خروار ۴۰ نفر ۴۰ خروار/
۳. فراش نقد ۴۰ تومان جنس ۵۰ من/
۴. ناظر نقد ۱۰۰ تومان جنس ۱۰ خروار/
۵. متولی نقد ۱۰۰ تومان جنس ۱۰ خروار/

۶. صرف تعمیر و اندود مسجد و مدرسه ۲۹۰ تومان جنس/ ۳۰ خروار و همچنین در همه موارد اطلاع و استحضار و اذن ناظر شرط/ داند چنانکه زایداً مداخلی حاصل آید و یا سالی مسجد و مدرسه از تعمیر/ مستغنی نماید به استکتاب کتب فقه و اصول و احادیث و رجال و آنچه/ به مصرف معلمین فقیه و اصولیه آید صرف نماید. و قفا/ مخلصاً مؤیداً صحیحاً صریحاً شرعياً اسلامياً امامیاً به حیث لایبایع و لایورث/ و لا یرهن و لایوهب فمن بدله بعد ما سمعه فإنما اثمه علی الذین یدلون و/ کان ذالک تحریراً فی شهر رمضان المبارک من شهر سنة ۱۲۳۸.

[بر حاشیه سند این متن ها به چشم می خورد:]

- بسم الله الرحمن الرحيم

این نسخه هشت صفحه مطابق است با اصل وقفنامه معتبره که در نزد این احقر خدام شرع اطهر ضبط است. بر حسب امر نواب کامیاب ارفع امجد والا سرکار ناظر ادام الله بقائه تحریر و تطبیق شد. فی ۲۳ شوال المکرم سنة ۱۲۵۸ [جای مهر].

- عز اسمه

هذا السجل الشريف خط حجة الاسلام جدي العلامة اعلى الله مقامه و الخاتم خاتمه المنيف و الخاتم الآخر المرحوم المبرور المغفور السيد محمد طارمی قدس الله تربته الزكية حرره الاحقر مهدي الموسوي الزنجاني

بیده فی ۲۹ شهر رجب الغری سنة ۱۳۳۵ [جای مهر].

- هذه النسخة مطابقة لأصلها الاصيل المعتبر و قد قوبل بين یدی العبد الاثم لدى حضرة السيد العاصم کتبه بیمنه الدائرة فی ۲۶ شهر شوال المکرم من شهر سنة ۱۲۵۸ [جای مهر].

- بسم الله الرحمن الرحيم

لا شبهة فی کون الخاتم الاول خاتم سيدالعلماء و الاعلام فريد عصره السيد محمد طارمی و الخاتم الثاني خاتم سيدالفقهاء الکرام و حید عصره السيد ابوالقاسم زنجانی و السجل خطه الشريف. حرره الاحقر الميرزا عباس طارمی فی ۲ شهر شعبان المعظم سنة ۱۳۳۵ [جای مهر].

- این نسخه بر حسب امر حضرت نواب کامیاب اشرف ارفع والا واقف ادام الله بقاءه و عالیجناب مقدس القاب و فخر المجتهدين متولی سلمه الله از روی نسخه اصل تحریر شد. فی شوال سنة ۱۲۵۸ [جای مهر].

- بسم الله الرحمن الرحيم

بر حسب استدعا نواب مستطاب والا آقای یمین السلطان ادام اقباله خطوط و امهار که در صفحه قبل در ذیل نسخه وقف نامه موقوفات نواب مرحوم عبدالله میرزای دارا طاب ثراه در زنجان است ملاحظه شد یکی خط و مهر مرحوم مبرور و مغفور حجة الاسلام حاجی میرزا ابوالقاسم اعلى الله مقامه است که اغلب اسناد خمسة در عصر آن مرحوم با خط و مهر اوست مکرر دیده و می شناسم و مهر مرحوم شریعتمدار آقا سید محمد طارمی معروف به سید مجتهد است که به حسب تعیین ناظر تولیت داشته آن را هم مکرر دیده می شناسم و خط سند هم، خط یکی از محررین آن عصر است این خط را مکرر دیده ام صحیح است شبهه ندارد. حرره الاقل ابراهیم زنجانی فی شهر شعبان المعظم سنة ۱۳۳۰ [جای مهر].

- هو الله تعالی

اگر چه خط و خاتم حجة الاسلام حاجی میرزا ابوالقاسم مجتهد زنجانی اعلى الله مقامه محتاج به تعریف نبوده اغلب اسناد خمسة موشح به خط و خاتم آن مرحوم است. بر حسب خواهش نواب مستطاب والا مرقوم می دارد که خط اصل نسخه خط مرحوم میرزا حسین خلخالی است و سجل و مهر خط و خاتم حجة الاسلام مرحوم حاج میرزا ابوالقاسم زنجانی اعلى الله مقامه و مهر دیگر مهر مرحوم شریعتمدار آقا سید محمد مجتهد و متولی آن عصر است که به خط محرر خود میرزا حسین معروف سجل شده. حرره فی شهر شعبان من شهور سنة ۱۳۳۰ [جای مهر].

- هو الله تعالی

نظر بر تصدیق جمع کثیری از اعلام اهل زنجان دامت افاضاتهم خصوصاً تصدیق حضرت مستطاب حجة الاسلام الحاج میرزا مهدی دامت برکاته که اعرف به خط و مهر خودشان هستند مهرها به سجل هایی که ملاحظه شد صحیح به نظر آمده و هذه النسخه فی غایت الاعتبار حرره فی ۱۲ شهر صفر الخیر سنة ۱۳۳۸ [جای مهر].

پی نوشت:

۱. نبوتی، هوشنگ، تاریخ زنجان، (زنجان، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۶)، ص ۱۰۷-۹.
۲. مشکینی، محمد، مقاله تحقیقی، ص ۲۱.
۳. شکوری، ابوالفضل، خط سوم در مشروطیت ایران (زنجان: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۱) ص ۱۶ و ۱۷.
۴. لسان الملك سپهر، میرزا تقی، ناسخ التواریخ، تصحیح محمدباقر بهبودی، تهران: اسلامی، ج ۲، ص ۱۴۶.
۵. همان، ص ۱۸۵.
۶. همان، ص ۳۲۲.
۷. عضدالدوله، احمد میرزا، تاریخ عضدی با توضیحات عبدالحسین نوایی، ص ۲۰۹.
۸. خالقی مقدم، محمد، ساختار اجتماعی و اقتصادی زنجان در دوره قاجاریه، زنجان: نشر امید، ج ۲، ۱۳۷۳، ص ۲۰.
۹. اظهارات سید محمد حسینی متولی مسجد و مدرسه جامع (فرزند ارشد آیت الله سیدعزالدین حسینی) کلاس های درس فقه و اصول و امامت جماعت مسجد هم با ایشان است.